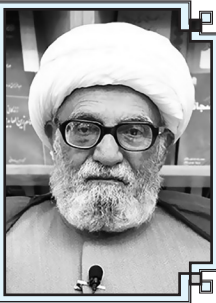


«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



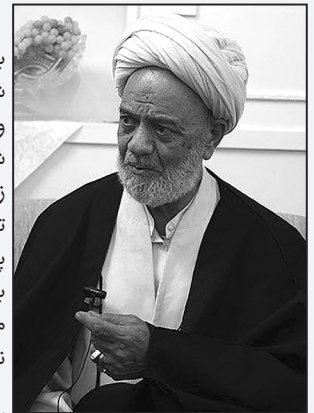
مرحوم
واعظ زاده پدر
جریان تقریب‌گرای
کشور هستند



یادی از:

خطیب مبارز و پویا شیخ عیسی سلیم‌پور اهری

سید هادی خسروشاهی



برادر عزیز و گرانقدر که بیش از نیم قرن با او مانوس بودم، به دیار باقی شتافت: شیخ عیسی سلیم‌پور اهری خطیبی توانمند و مبارز و در عین حال محقق پویا بود و شاید هرگز هیچ منبری را بدون تحقیق در زوایای شناخته نشده تفسیری، حدیثی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، به پایان نمی‌برد. یعنی منبرهای اهری همراه با تحقیق و تتبع بود و در واقع او مطالب منبرش را بدون مطالعه دقیق قبلی، مطرح نمی‌ساخت.

عیسی اهری در بهمن ۱۳۱۱ در شهرستان اهر، در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد.

پدرش مرحوم عبدالسعید، به علت موقعیت معنوی و اجتماعی که داشت به «شیخ سعید» معروف بود و در اهر و روستاهای اطراف به آموزش و تربیت جوانان می‌پرداخت. عیسی اهری پس از طی مرحله مکتبخانه، مقدمات و سپس سطوح متوسطه علوم دینی را با انتخاب خود، در اهر آموخت و در سال ۱۳۳۳ برای ادامه تحصیل به تبریز رفت و در محضر علمای ارجمند و بزرگوار چون حضرات آیات: حاج میرزا احمد اهری، حاج میرزا عبدالله مجتهدی، حاج شیخ نصرالله شبستری به تلمذ پرداخت و مدتی بعد به قم آمد و از دروس اساتیدی چون حضرات آیات: میرزا محمد مجاهدی، سیدرضا صدر، شیخ جعفر سبحانی و سید عبدالکریم موسوی اردبیلی بهره‌مند شد. و در مراحل تکمیلی در دروس خارج آیات عظام: بروجردی، شریعتمداری، نجفی مرعشی و جلسات تفسیری علامه طباطبایی شرکت نمود.

شیخ عیسی اهری پس از این دوران، با اندوخته و توشه گرانبهای علوم دینی، در سال ۱۳۴۰ به تبریز بازگشت تا مردم تبریز را با حضور در میانشان، از حقایق اجتماعی، دینی، سیاسی و معنوی آگاه سازد.

... با آغاز نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، عیسی اهری به قول تبریزی‌ها یکی از «سه تفنگدار» اصلی مبارزات تبریز و بلکه آذربایجان بود، در کنار آقایان: محمدحسن بکایی و محمود وحدت.

البته در این مرحله، دیگر وعظ تبریز هم هر کدام به میدان آمدند و با توجه به شرایط و امکانات خود در مبارزه و روشن ساختن مردم، فعال شدند؛ ولی پیش از همه، شیخ عیسی اهری بود که شجاعانه در صحنه بود و در جریان «انجمن‌های ایالتی و ولایتی سال ۱۳۴۱» نخستین زندان رفتن را تجربه کرد؛ ولی پس از آزادی، به راه خود ادامه داد. دومین زندان طولانی او، پس از حادثه ۱۵ خرداد و عاشورای خونین مدرسه فیضیه بود.

بی‌مناسبت نیست که چگونگی این برهه از زندگی و مبارزات بعدی را از قول خود شیخ عیسی سلیم‌پور اهری نقل کنیم.

مسئله انجمن‌های ایالتی و ولایتی

بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی، رژیم تصور کرد که مخالفت تمام شده است؛ ولی مراجع قم، تصمیم قاطعی برای نگهداری و حفظ حوزه علمیه گرفته بودند و به یاری خداوند موفق هم شدند. پس از آن، رژیم خیمه‌شب بازی‌هایی مثل لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید و رفاندوم را پیش کشید و در پی آن، مخالفت علمای حوزه علمیه و مراجع قم پیش آمد. این وقایع در مجموع باعث شد که مراجع به مبارزه برخیزند و به تمام نقاط ایران پیام بفرستند. آقای سیدهادی خسروشاهی از قم نامه‌ای آورد که آقای مشکینی به صورت خصوصی برای چند نفر از منبری‌ها، از جمله بنده، نوشته بودند و متذکر شده بودند: «حالا موقع نشستن و خوردن و خوابیدن نیست! باید روحانی و طلبه به پا خیزد، چون رژیم می‌خواهد سوگند به قرآن را لغو کند و زنها را (با آن وضع) به مجلس ببرد.» این حرکت رژیم نیز با اقدام مراجع و تلاش روحانیت در سطح کشور، عقیم ماند.

ادامه در صفحه ۴

نطق مسعود پزشک‌یان

مسلمانی و این همه تهمت زنی!



صفحه ۸

آیت الله قربانی این روزها چه می‌کند؟



صفحه ۲

عدم محبت به حضرت فاطمه شهادتین را دچار مشکل می‌کند

صفحه ۷

واعظان و مداحان برای يك منبر چقدر پول می‌گیرند

صفحه ۲

نقدی بر برنامه اخیری.بی.سی.فارسی

«بهتان» در بهتان

روزبه علمداری - سردبیر سایت جماران

تلویزیون فارسی بی بی سی اخیراً طی برنامه ای با عنوان «بهتان برای حفظ نظام» به زعم خویش درصدد تبیین توجیهات شرعی آنچه که بهتان به مخالفین در جمهوری اسلامی، عنوان می‌کند برآمده است و در استدلالی ناقص درصدد اثبات یک فرضیه در مورد رویکرد فقهی، حکومتی امام خمینی برآمده است.

در این برنامه، نویسنده و تهیه کننده نقل می‌کند که هیچ کدام از ۱۱ مرجع عالیقدر شیعه که از آنها در خصوص مجاز بودن به استفاده از بهتان در مقابل مخالفین استفتاء شده است، این عمل را مجاز ندانسته‌اند (دو تن از آنان پاسخی ندانسته‌اند). لازم به یادآوری است که عمده ی این مراجع عالیقدر خود از شاگردان امام بوده‌اند.

برنامه همچنین با پخش فایلی صوتی از استاد شهید مطهری، مخالفت ایشان با این برداشت از حدیث معصوم (ع) را بازگو می‌کند و سپس ادامه می‌دهد که «با وجود این استاد آقای مطهری، یعنی آیت الله خمینی، در زمان اقامت خود در نجف، حداقل در یک نوبت تهمت زدن به روحانیونی که به عقیده او تفکرات انحرافی داشته‌اند را علناً جایز دانسته». و بدین ترتیب سخنان امام خمینی (که برنامه با پخش فایل صوتی سخنان آغاز شد)، را منشاء و آغازگر تمام اتهامات بعدی به عملکرد چهل ساله جمهوری اسلامی معرفی می‌کند.

سخن امام چه بود؟

امام خمینی در یکی از جلسات ۱۳ گانه دروس ولایت فقیه در بهمن ماه ۱۳۴۸ در نجف به طیفی از روحانیون تحت عنوان «آخوندهای درباری» که به شاه لقب «جل جلاله» داده‌اند، اشاره کرده و می‌گویند: «آخوندهای درباری را طرد کنید. اینها از فقهایی اسلام نیستند. و بسیاری از اینها را سازمان امنیت ایران معمم کرده تا دعا کنند. اگر در اعیاد و دیگر مراسم نتوانست به زور و جبرائمه جماعت را وادار کند که حضور یابند، از خودشان داشته باشند تا «جل جلاله» بگویند! اخیراً لقب «جل جلاله» به او (شاه) داده‌اند! اینها فقها نیستند؛ «شناخته شده‌اند!» مردم اینها را می‌شناسند. در این روایت است که از این اشخاص بر دین بترسید؛ اینها دین شما را از بین می‌برند. اینها را باید رسوا کرد تا اگر آبرو دارند در بین مردم رسوا شوند؛ ساقط شوند. اگر اینها در اجتماع ساقط نشوند، امام زمان را ساقط می‌کنند؛ اسلام را ساقط می‌کنند. باید جوانهای ما عمامه اینها را بردارند. عمامه این آخوندهایی که به نام فقهایی اسلام، به اسم علمای اسلام، اینطور مفسده در جامعه مسلمین ایجاد می‌کنند باید برداشته شود. من نمی‌دانم جوانهای ما در ایران مرده‌اند؟ کجا هستند؟ ما که بودیم اینطور نبود؟ چرا عمامه‌های اینها را بر نمی‌دارند؟ من نمی‌گویم بکشند؛ اینها قابل کشتن نیستند؛ لکن عمامه از سرشان بردارند. مردم موظف هستند، جوانهای غیور ما در ایران موظف هستند که نگذارند این نوع آخوندها (جل جلاله گوها) معمم در جوامع ظاهر

شوند و با عمامه در بین مردم بیایند. لازم نیست آنها را خیلی کتک بزنند؛ لیکن عمامه هایشان را بردارند؛ نگذارند معمم ظاهر شوند. این لباس شریف است، نباید بر تن هرکسی باشد. عرض کردم که علمای اسلام از این مطالب منزه‌اند، و در این دستگاهها نبوده و نیستند. و آنهایی که به این دستگاه وابسته‌اند، مفتخورهایی هستند که خود را به مذهب و علما بسته‌اند؛ و حسابشان اصلاً جداست و مردم آنها را می‌شناسند».

ایشان در فراز دیگر از همین دروس با اشاره به گروه یاد شده می‌گویند: «اصلاح حوزه‌های روحانیت معرفی و ارائه اسلام مستلزم این است که حوزه‌های روحانیت اصلاح شود. به این ترتیب که برنامه درسی و روش تبلیغات و تعلیمات تکمیل گردد؛ سستی و تبلی و یاس و عدم اعتماد به نفس جای خود را به جدیت و کوشش و امید و اعتماد به نفس بدهد؛ آثاری که تبلیغات و تلقینات بیگانگان در روحیه بعضی گذاشته از بین برود؛ افکار جماعت مقدس نما که مردم را از داخل حوزه‌های روحانیت از اسلام و اصلاحات اجتماعی بازمی‌دارند، اصلاح شود؛ آخوندهای درباری که دین را به دنیا می‌فروشند از این لباس خارج و از حوزه‌ها طرد و اخراج شوند».

درواقع می‌توان گفت که مقصود و مخاطب سخن امام از در این خصوص کاملاً روشن بوده و اگر کسی مدعای قابل تمییم بودن این رویکرد را به دیگران داشته باشد، خوب است به یاد بیاوریم که به عنوان مثال امام حتی در مورد شخص محمدرضا پهلوی که سالها علیه او و رژیمش مبارزه کردند؛ چنین روشی را نه تجویز کرده و نه هیچ گاه به کار بستند.

در برنامه، اشاره شده که جمله ای خاص از این بخش از سخن امام (در خصوص تهمت زدن به گروه یاد شده) توسط موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی حذف شده است.

پاسخ این سخن در مقدمه همین کتاب قابل مشاهده است که: «این سخنرانی‌ها در همان ایام به صورت مختلف، گاهی کامل و گاهی به صورت یک یا چند درس تکثیر و منتشر شده است. و در پاییز ۱۳۴۹ ش. پس از ویرایش و تأیید حضرت امام برای چاپ آماده گردید و نخست توسط یاران امام در بیروت به چاپ رسید و پنهانی به ایران فرستاده شد و همزمان برای استفاده مسلمانان انقلابی به کشورهای اروپایی و آمریکا و پاکستان و افغانستان ارسال گردید».

بنابراین، به سهولت می‌توان نتیجه گرفت که آنچه «منتشر می‌شود» موضع رسمی و واقعی‌گویی‌ده است نه آنچه که احیاناً در کلاس بیان شده است و این تشخیص با هیچ اصل اخلاقی در تضاد قرار ندارد یا من باب مثال نمی‌توان آن را به دو رویی و ریا برداشت کرد. بلکه این، رویه رایج تمام اساتید و حتی سیاستمداران و سخنوران است که اگر به دلایل مختلف از جمله اینکه احتمال دهند بیان عمومی یک سخن دارای عواقب خارج از مراد آنهاست یا می‌تواند موجب سوء برداشت شود، از انتشار عمومی آن خودداری می‌کنند.

ادامه در صفحه ۶

هزینه اداره مجلس چقدر است

سایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی به هزینه‌های جاری مجلس شورای اسلامی پرداخته و نوشته: آن طور که پیش از این خبرگزاری تسنیم اعلام کرده بود، هزینه هر یک دقیقه از جلسات علنی مجلس، ۱۷۰۸ میلیون تومان و هر یک ساعت، ۱۰۶ میلیارد تومان است. این آمار که مربوط به سال ۹۳ است، با احتساب برگزاری ۲۸ هزار و ۵۰۱ دقیقه جلسه علنی محاسبه شده است.

در ادامه این گزارش آمده است: اگر با احتساب تورم ۲۲ درصدی و ۸ ماهه ۹۷ بخوابیم این آمار را به روز کنیم، رقمی در حدود ۲۱۰۷ میلیون تومان برای هر یک دقیقه و ۱۰۳ میلیارد تومان برای هر یک ساعت جلسه علنی مجلس به دست می‌آید؛ یعنی مجلس برای هر یک روزی که جلسه علنی برگزار می‌کند، با محاسبه میانگین ۴ ساعت برای هر جلسه در روز، رقمی در حدود ۵۰۲ میلیارد تومان هزینه می‌کند.

حالا اگر قرار باشد جلساتی از این قبیل یا جلسات غیرعلنی به موضوع‌های فرعی یا حاشیه‌ای همچون مسأله نماینده سراوان بپردازد، مشخص نیست چقدر از این هزینه‌ها هر ساله هدر می‌رود.

واعظان و مداحان برای يك منبر چقدر پول می‌گیرند

محمدرضا صباغیان در تذکر شفاهی به رئیس جمهوری گفت: برای کم کردن هزینه‌ها به سراغ معلمان و فرهنگیان رفته‌اید، این موضوع که کاهش هزینه صورت بگیرد اتفاق خوبی است، اما اینکه در وهله نخست به سراغ فرهنگیانی که در تامین معیشت خود مانده‌اند، درست نیست.

نماینده مهрыз و باقی با بیان اینکه فرهنگیان، تامین اجتماعی و مستمري بگیران در حالی که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، در تامین معیشت خود مانده و معترض هستند، افزود: آقای روحانی؛ چرا به سراغ افرادی که درآمد‌های بالایی دارند، نرفته اید؟ چرا برای کم کردن هزینه ها به سراغ برخی معاونان وزیران که هم اکنون در برخی وزارتخانه ها ۲۰ تا ۲۵ میلیون حقوق دریافت می کنند، نرفته اید؟ چرا به سراغ شرکت ملی نفت، وزارت صنعت، معدن و تجارت و شرکت های تابعه نرفته اید؟ این موضوع نشان می دهد که آقای روحانی فاصله زیادی با مردم دارد و کسانی که مشاوران ایشان هستند، اجازه نمی دهند که رئیس جمهوری متوجه اوضاع جامعه شود.

وی با اشاره به ایراد گرفتن برخی به حقوق نمایندگان افزود: برخی از واعظان و مداحان بالای منبر رفته و از حقوق معلمان می گویند، لذا خود این مداحان و واعظان باید اعلام کنند که زمانی که يك منبر می روند، چه میزان پول دریافت می کنند؟

عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه مجری تلویزیون که بحق عنوان می کند که حقوق نمایندگان زیاد است، اعلام کند که برای اجرای يك برنامه چه میزان حقوق دریافت می کند، تصریح کرد: بنده جزو کسانی بودم که عنوان کردم نمایندگان حقوق بالایی دریافت می کنند اما باید به عنوان يك نماینده مطالبه کنم که دیگران نیز درخصوص حقوق خود شفاف سازی کنند.

آیت الله قربانی این روزها چه می کند؟



و (آداب و اسرار نماز) ادا کنم.

در صورت امکان بفرمایید چه شد در میان تمام سوره های قرآن سوره حمد را انتخاب کردید ؟

من یک مقدمه در ابتدای کتاب تفسیر سوره حمد نوشتم و در آنجا آوردم بسیاری از بزرگان مانند: بوعلی سینا، شیخ بهایی، ملا صدرا، امام خمینی رضوان علیهم و ... کتاب مستقل در باره آن نوشته اند و از سوی دیگر همه کسانیکه درباره قرآن از قدیم و جدید که مجموع آنها ۲۵۰۰ نوع می شود در باره سوره حمد نوشته اند که بعضی از بعد عرفانی، بعضی از بعد ادبی، بعضی از بعد اخلاقی و اعتقادی و بعضی بطور جامع الاطراف سوره حمد را تفسیر کردند.

ما گفتیم یک تفسیر سوره حمدی بنویسیم که هم خوبی های نوشته های بزرگان گذشته را داشته باشد و هم پاسخگوی مسایل اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی نسل ما در عصر حاضر باشد. طبق روایاتی که در مقدمه این کتاب آوردم سوره حمد خلاصه کل قرآن است، بعبارت دیگر آنچه در کل قرآن وجود دارد در داخل این سوره کوچک ۷ آیه ای آمده است که علی (ع) فرمود اگر بخواهم در باره بعضی از اجزاء سوره حمد بحث کنم چهل بار شتر خواهد شد.

و ما چون حدود ۲۰ سوره قرآن را تفسیر کردیم که برخی از آنها چاپ شد و بعضی هنوز به چاپ نرسیده و ممکن است در آینده در چند مجلد چاپ شود فلذا اگر سوره حمد در آن مجموعه نباشد ابتر است لذا در ماه رمضان گفتیم که حالا نمی توانیم درس گفتاری داشته باشیم پس درس تفسیر نوشتاری داشته باشیم.

و از سوی دیگر دیدم بزرگانی مثل امام رضاوان الله علیه، مثل جواد آقای تبریزی، مثل شهید ثانی و دیگران در باره آداب و اسرار نماز هم مطالبی را مرقوم فرمودند و کتاب هایی نوشتند دیدم اگر ان بحث ها را به تفسیر سوره توحید منضم نکنم باز کار ما ابتر است از این رو یک رساله ۱۰۰ صفحه ای هم در باره (آداب و اسرار نماز) نوشتیم و آن هم در حال تایپ و آماده سازی برای چاپ است.

با توجه به اینکه شما تفسیر سوره حمد را نوشتید، نوشتن آداب و اسرار نماز چه ضرورتی داشت ؟

ممکن است ما "قرآن زبر بخوانیم با چارده روایت" اما ندانیم معنی (ایاک تعبد) و (ایاک نستعین) و عبادت چه نقشی در زندگی انسان ها دارد و عبادت و استعانت از خدا مخالف با جبر و تفویض است یا نه. این نوع از بحث ها (آداب و اسرار نماز) را بیان می کند. و ما در کتاب (سوره حمد) بیان کردیم: قرآن هم جبر را نفی کرده و هم تفویض را.

کسی خدمت امام صادق (ع) را رسید سوال کرد: شما با استفاده از کجای قرآن جبر و تفویض را نفی می کنید؟ فرمود سوره حمد را بخوان. او وقتی به (ایاک تعبد) و (ایاک نستعین) رسید، فرمود توقف کن. بعضی می گویند: کارها براساس جبر یا بر اساس تفویض هست.

اگر بگویید براساس جبر است درست نیست زیرا ما در نماز می گوییم «تعبد» یعنی: ما تو را عبادت می کنیم. فعل عبادت را به خودمان نسبت می دهیم؛ یعنی همه کارها مربوط به

ماست و به خدا دیگر ارتباطی ندارد؛ اگر بگویی بر اساس تفویض است، به خدا دیگر ارتباطی ندارد در حالیکه می گوییم «نستعین» یعنی از تو کمک می گیریم. این آیه هم جبر و هم تفویض را نفی می کند.

باید این نوع معانی و آداب و اسرار برای مردم روشن شود فقط "قرآن زبر بخوانم با چارده روایت" کفایت نمی کند. بعلاوه نماز واقعی آدمی را از فحشا و منکر باز می دارد و آدمی را به معراج می برد و به خدا نزدیک و نزدیک تر می نماید تا آنجا که "رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند" و نماز باید بر این پایه برپا کرد و عمل شود.

به قول اهل فن یکی از ویژگی های تالیفات شما وجود منابع معتبر و مختلف و کمیاب است که مطالعه این منابع با توجه به حجم آنها زمان زیادی را می طلبد. شما در تالیف این کتاب از این منابع و منابع اهل سنت هم استفاده کردید؟

بله. ما چند خصیصه را در این کتاب به کار بردیم. یکی اینکه بحث ها را بگونه ای تبیین کردیم که توده مردم در حد معقول و معمول بفهمند و در این کار ما تقریباً دنباله رو مرحوم آیت الله مطهری هستیم، مطهری مشکل ترین مسایل اعتقادی و فلسفی و عرفانی را بگونه ای تبیین می کرد که همگان از آن بهره ببرند و من در این کار دنباله رو مطهری شدم.

امام رضاوان الله علیه در تفسیر خودش بعضی از مسایل مهم را بیان کرد که پیش دیگران مغفول بود. مثلاً: قرائاتی که در آیات قرآن بکار برده شده. مثل: (ملک یوم الدین) یا (مالک یوم الدین)، (کُفُواْ) یا (کُفُواْ) یا (کُفُواْ)؛ چند جور این را خوانده اند.

بعضی ها گفته اند اگر طبق قرائات سبع باشد مانعی ندارد ولی امام رسماً در برابر این نظر ایستاد و فرمود ما باید قرآن را (ما یابیدنا) بخوانیم؛ یعنی آنچه که در قرآن نوشته است. آیا در قرآن (کُفُواْ) نوشته است یا (کُفُواْ) نوشته است بنابراین غیر از (کُفُواْ) خواندن موجب بطلان نماز است.

(ملک یوم الدین) یا (مالک یوم الدین) قرآن (مالک یوم الدین) نوشته است اگر ما (مَلِک یوم الدین) بخوانیم این خلاف (ما یابیدنا) قرآن است. ما باید لفظ را حفظ کنیم بعد برویم دنبال معنا، نباید هرکس مطابق نظر خود دنبال معنا برود.

این یک بحث فقهی عظیمی است که مرحوم صاحب عروه در این باره بحث کرده، امام بحث کرده، آیت الله حکیم بحث کرده، تذکره علامه بحث کرده، منتهی علامه بحث کرده، صاحب جواهر و دیگران بحث کردند، ما هم در این نوع مباحث وارد بحث فقهی شده ایم و نظرات فقها را در این باره بیان کرده ایم. و (مسانید) ما، فوق (مسانید) ی است که در اختیار بعضی نویسندگان و دیگران هست. سعی کردیم به مسانید فراوانی دسترسی پیدا کنیم و مسایل را چه فقهی، چه اصولی، چه فلسفی، چه عرفانی و غیره را بگونه ای تبیین کنیم تا توده مردم ما از آن بهره مند شوند.

اثر بعدی شما چیست و در چه مرحله از تالیف قرار دارد:

در حاضر حاضر کتابی درباره (نقد قرآن) و (امام حسین) در دست تالیف دارم که کتاب اول چیز منحصر به فرد است و نیاز به توضیح دارد که در این فرصت نمی گنجد، اگر عمری باقیماند بعداً توضیح خواهم داد و طرح چند اثر را در حال پخته کردن دارم اجازه بدهید این را هم به آینده موکول نمایم.

از وقتی که به ما دادید سپاسگزاریم و برای حضرتعالی توفیق روز افزون آرزو می کنیم.

یادی از شیخ عیسی اهری

بسم الله الرحمن الرحيم اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ
موت العالم ثلثه في الاسلام؛ عصر روز ۹۷/۰۹/۱۸ پشت میز تحریرم نشسته بودم افکار، اندیشه ها و دغدغه هایم را از شرایط جاری روز می نگاشتم کاغذ سفید را سیاه می کردم تا عرضحال کنم دلم سفید و وجدانم آرام گردد .

در آن هنگام زنگ تلفن بصدا درآمد دوستی از تبریز با تأسف و تأثر درگذشت عالم وارسته و خدمتگزاری را به من خبر داد رشته فکرم بهم ریخت و از موضوع منحرف و نوک قلم به نوشتن این غمنامه و یاد یار پیچید چون خبر برای من بسیار سنگین و غمبار بود.

خبر درگذشت جانگداز حضرت حجه الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عیسی سلیم پور اهری آن عالم فاضل، خطیب شهیر و سخنور توانا دارفانی را وداع کرد و به بقای پروردگارش پیوست من که با صفا و وفای آن مرحوم و با خطابه ها و سخنرانیهای آن خطیب توانمند آشنائی دیرینه داشتم و مشمول لطف و محبتش بودم بسیار متأسف و متأثر گردیدم او از جوانی اهل سخن و منبر بود.

از جوانترین سخنوران بود صدای وعظ و خطابه او در مساجد بزرگ و پرجمعیت و در تیمچه های معروف بازار تبریز سپس در تهران می پیچید تحول و انقلاب می آفرید که من شخصاً خاطرات نیک و بیاد ماندنی از آن صحنه ها دارم یک خاطره دیگر نیز ورود و خروج همزمان به زندان بود که من قبل از پیروزی انقلاب در یکی از ماههای مبارک رمضان جهت سخنرانی از قم به تبریز آمدم در برخی از مساجد به منبری می رفتم سخنرانی می کردم روزی در مسجد شعبان شهید قاضی طباطبائی منبر رفته بودم بعد از پایین آمدن از منبر در یکی از پس کوچه های تبریز دستگیرم کردند به ساواک بردند با دهان روزه به سلول انفرادی انداختند که جز ساواک هیچ کس از جریان من اطلاع نداشت شب همان روز ۶ نفر از خطیبان برجسته و انقلابی تبریز که ماهها در ساواک تبریز زندانی بودند آزاد شده در اطاعتی جمع شده بودند تا مقدمات خروجشان آماده شود دستگیری و زندانی شدن مرا از مسئولان ساواک شنیده و آزادی برایشان تلخ شده بود که مرحوم اهری نیز یکی از آن جمع بود و این خاطره در کتاب انقلاب نامه مرحوم بکائی که یکی دیگر از آنها بود ضبط شده است دستگیری من مخفیانه بود جز ساواک کسی اطلاع نداشت بوسیله این بزرگواران به بیرون درزشد کمک بزرگی برای من و خانواده ام بود خاطره دیگری از این عالم بزرگوار و با صفا داشتم .

الطاف و محبتهای بی دریغ او نسبت بمن بود که خود داستانها دارد پیوسته مرا شرمند می کرد که امروز نشسته ام با دلی مالا مال از غم برایشان غم نامه می نویسم و به بهانه تسلیت با ذکر خاطرات از او تجلیل می کنم تا سوابق خدمات و سهم بسزای او را در پیروزی انقلاب و تأسیس نظام اسلامی یادآوری نموده و پاس بدارم ارتحال این عالم وارسته، خدمتگزار به نظام و انقلاب اسلامی را که عمری به اسلام، مکتب تشیع و اهل بیت عصمت و طهارت و به مردم و جامعه خدمت کرده و با عزت و روح آرام و مطمئن به لقای پروردگارش پیوسته به پیشگاه حضرت ولی عصر و علمای اعلام و روحانیت کرام و به قاطبه خطبا و سخنوران دینی مخصوصاً روحانیت آذربایجان و تبریز و به دوستان و علاقمندان به فرزندان و خاندان پرافتخار سلیم پور اهری و خاندان بزرگ خلخال تسلیت می گویم روحش شاد و مرقدش نورانی و یادش زنده باد انشاالله.

هاشم زاده هریسی

نماینده مجلس خبرگان رهبری

درباره کتاب: «صحیفة المهدی»

سند نقل نکرده، بالاخره ناآشنا بودیم ما. چند سال بعد از انقلاب، استاد مهدی پور از ترکیه برگشته بودند قم و ما رفتیم منزل ایشان و آن موقع، شب عید نوروز بود. صحبت کردیم و همین سؤال را پرسیدیم. ایشان گفتند چرا شما خودتان نمی روید دنبال همین پرسش که دعا چه قدر هست؟

گفتم: همه ما مقصریم همه نان خور حضرت مهدی هستیم ولی این قدر دقت نکرده ایم که در پی این چیزها باشیم. همان شب، در کتابخانه ایشان راهنمایی ای به بنده کردند که این کتاب کلمة المهدی مرحوم سید حسن شیرازی که در سال ۱۴۰۰ قمری در لبنان شهید شد، مرجع خوبی است.

همان کتاب را همان شب در عرض سه یا چهار ساعت در دست گرفتم و پانزده یا شانزده دعا از آن کتاب آدرس برداشتم و رفتم تهران. در کتاب الذریعة مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی نگاه کردم، دیدم ایشان آدرس داده اند که راجع به حضرت (ع) مرحوم شهید حاج شیخ فضل الله نوری کتابی نوشته به نام «صحیفة المهدی».

... به دنبال کتاب شیخ فضل الله نوری به مشهد رفتیم اما آن جا هم نبود. سپس از کتاب های مختلف، حدود ۳۳ دعا، مفصل و مختصر، آدرس و و یادداشت برداشتیم و نتیجه آن در سال ۶۲ به صورت عربی چاپ شد. یکی از ارادتمندان آن حضرت به نام حاج محمود بقایی، مسئول چاپش شد.

بنده با مرحوم آیت الله صدر هم شبی صحبت کردم که این کتاب را به فارسی تألیف کنیم یا عربی و ایشان گفتند به عربی باشد بهتر است تا به عرب ها هم برسد. و کتاب به عربی چاپ و پخش شد.

من در مقدمه هم آورده ام که داماد بنده، دکتر محمد اسماعیل مصباحی پسر آیت الله حاج شیخ عباس مصباحی، منجم، ریاضیدان، نویسنده و نواده آقای آیت الله سید محمد حجت کوه کمری که ۱۳ یا ۱۴ سال لندن بود و مجمع جهانی اسلام را آنجا با امر آیت الله گلپایگانی تأسیس کرد، ایشان اصرارش این بود که ترجمه فارسی این کتاب آماده شود تا افراد بیشتری بتوانند از کتاب بهره مند شوند. من به ایشان گفتم من اهل قلم نیستم. زمانی پیشنهاد کردم آقای دکتر، سیدحسن در تهران که چند کتاب را هم ترجمه کرده، کلمة المهدی را ترجمه کنند ولی ایشان قبول نکردند. نهایتاً خودمان دست به کار شدیم با کمک دوستان و بیشتر، آقای مهدی پور، ترجمه انجام شد و انتشارات رسالت، متعهد شد که آن را چاپ کند.

دکتر مصباحی گفت: که این را یک خانم لبنانی استاد دانشگاه که انگلیسی هم خوب می داند به انگلیسی هم ترجمه کرده ولی هنوز چاپ نشده است. می گفت که از پاکستان هم، یکی از دانشمندان پاکستانی از من خواسته این را به اردو ترجمه کنیم. گفتم: اصلاً به من ربطی ندارد، کلمات حضرت است و دعاهای حضرت.

به هر حال، این مسئله شروعی شد برای چاپ کتاب هایی در مورد حضرت و بعد هم استاد مهدی پور آن نامه حضرت را چاپ کردند. یادم نمی رود زمانی راجع به چاپ این کتاب، مرحوم آقا سید محمد شیرازی قسمتی از یک مجله را فتوکپی کرده بودند و دادند به ما، که خجالت آور است برای شیعیان، برای اقبال لاهوری پنج هزار عنوان کتاب نوشته شده. ما برای امام زمان چه کار کرده ایم؟ اینها سبب شد که با کمک رفقا، این کتاب چاپ شود.

با توجه به این که این تفحص و دقت را در ادعیه حضرت مهدی داشته اید، به نظر شما ادعیه حضرت، ویژگی خاصی نسبت به سایر دعاها دارند؟ و اگر این گونه است، چه دلیلی دارد؟
بله، بعضی نکته ها هست که در دعاهای بقیه ائمه مطرح نبوده یا کم بوده، مثلاً دعای معرفت امام زمان که در این کتاب هست، این مضمون

آینده روشن: حجت الاسلام والمسلمین، حاج شیخ عیسی اهری (سلیم پور)، نخستین کسی است که مجموعه ادعیه حضرت امام عصر (عج) را جمع آوری و به عربی و فارسی منتشر کرده است. انتشار کتاب «صحیفة المهدی» به زبان فارسی، همراه با متن کامل ادعیه، بهانه دیدار ما با ایشان بود که در آن، به موضوعاتی مانند تاریخچه پیدایش این کتاب و جمع آوری ادعیه مهدوی و ویژگی های ادعیه حضرت ولی عصر اشاره شده است.

در ابتدا درباره چگونگی جمع آوری و تألیف این کتاب توضیح بفرمایید و این که چه چیز باعث شد شما تصمیم به این کار بگیرید.

به نام خدا. بنده سال ۱۳۴۷ در تبریز بودم و آیت الله الهی، برادر بزرگ تر مرحوم علامه طباطبائی، که بعضی ایشان را بر علامه مقدم و از ایشان بزرگ تر می دانند، در تبریز از دنیا رفته بود. علامه هم برای برگزاری مراسم به تبریز تشریف آورده بودند. چند روز بعد از مراسم ختم هم آن جا ماندند. علما و روحانیان در آن فرصت، ایشان را دعوت می کردند و از محضر ایشان استفاده می بردند. ما هم دو جلسه افتخار داشتیم که ایشان را دعوت کنیم. حدود بیست نفر شدیم و از علامه خواستیم برایمان صحبت کند. آن شب، مخصوصاً از حضرت مهدی صحبت شد. یادم هست آن وقت ها، کتاب راجع به حضرت مهدی نادر بود. از مرحوم علامه پرسیدم آقا راجع به حضرت مهدی چه کتابی هست؟ کتاب دادگستر جهان را معرفی کردند، نوشته ابراهیم امینی. البته آیت الله امینی از شاگردان خود مرحوم علامه بود که حالا هم در قید حیات است. بعد، از علامه خواستیم باز هم راجع به حضرت صحبت کنند. فرمودند: جالب است بدانید زمانی پروفیسور هانری کرین، با من سلسله مصاحبه هایی داشت و من در یکی از این گفت وگوها از ایشان پرسیدم آقای کرین، شما زمانی که حال دعا پیدا می کنید، چه می کنید؟

گفت: دعا می خوانیم دیگر.

گفتم: چه دعاهایی؟

گفت: من پروتستان هستم؛ کاتولیک نیستم. یعنی فقط یکشنبه هایمان مختص کلیسا نیست؛ هر وقت حال دعا داشتیم، می رویم کلیسا.

پرسیدم: چه دعاهایی؟ خودتان دعا می سازید یا از پیش ساخته است؟

گفت: نه؛ من از دعاهای آماده بهره می برم.

پرسیدم: کدام دعاهای؟

گفت: دعاهای مسیحیت را دیده ام و در اسلام هم مطالعاتی دارم. از دعاهای آن ها استفاده می کنم اما بیش تر دعاهای من، انتخاب شده از دعاهای امام زمان شماس.

پروفیسور شرق شناس و شیعه شناس بود. اما خیلی ما تعجب کردیم. ما ده، بیست نفر روحانی بودیم و آن جا نپرسیدیم که مگر حضرت دعاهایی دارند؟

من در سال ۴۸ به تهران منتقل شدم. شبی در مسیرم در خیابان رودکی راه می رفتم که متوجه صدایی آشنا شدم که به نظر آمد صدای آیت الله سید مرتضی شبستری باشد. بنده ارادت داشتم خدمت ایشان؛ چون از اهل علم بودند و در قم هم تدریس تفسیر داشتند. وارد مسجد جامع امجد که شدم، دیدم، بله آقای شبستری بر منبر هستند. تا من وارد شدم ایشان اظهار لطف کردند که آقای اهری، شما اگر زودتر می آمدید، منبر می رفتید. من اشاره کردم که ما قابل نیستیم.

به هر حال منبر تمام شد و ایشان آمد پایین. شب جمعه بود و ایشان هم راجع به حضرت صحبت می کرد. گفتم من در تبریز، با مرحوم علامه صحبتی داشتم و ایشان به دعاهای حضرت اشاره کردند اما من از ایشان نپرسیدم و ایشان هم توضیح ندادند که مگر ایشان دعاهایی هم دارند؟ مرحوم شبستری گفتند: بله مثلاً دعای افتتاح. چون مرحوم آقا شیخ عباس، معمولاً دعاهای را با

آقایان محللاتی و دستغیب، همه را زیر پر و بال خود گرفته با آن عوالم عرفانی و مباحث علمی و نماز جماعت فضای باصفایی به وجود آورده بودند.

آقای خلخال‌ی هم خبر مهاجرت مراجع قم و مشهد و علمای بلاد را به تهران داد و گفت قرار است یک اعلامیه دوازده ماده‌ای در پشتیبانی از حضرت امام صادر شود که البته این خبر از جهتی امید استخلاص ما را هم داشت. حدود ده روز بعد، جمع ما را متفرق کردند. نخست شیرازی‌ها را پاسی از شب گذشته بردند و نیمه شب بقیه را با اسکورت چند کامیون و سرباز به زندان موقت شهربانی که بعدها به کمیته معروف شد، منتقل کردند. در این محوطه که مساحتش شصت متر مربع بود، پنجاه و چهار نفر را جا دادند. شبها، مثل خیار چیده شده! در کنار هم می‌خوابیدیم.

بزرگانی که در خدمتشان بودیم، آقای فلسفی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله امام‌زنجانی، آیت‌الله مطهری، استاد هاشمی‌نژاد، آیت‌الله مصطفی طباطبایی قمی، آیت‌الله جلالی تهرانی، اعتماد‌الواعظین و آقایان شیخ حسین غفاری، صدر، انصاری و شیخ‌الحق مشکینی... بودند. جمع جالبی بود؛ زیرا اگر کسی می‌خواست انجمنی از آن بزرگان را برای مدتی آن هم به‌طور شبانه‌روزی، در کنار هم

یادی از:



شیخ عیسی اهری در منزل سید هادی خسروشاهی، به هنگام بازدید امام خمینی از علمای مبارز تبریز - آیت الله سید احمد خسروشاهی نیز در کنار امام نشسته اند

می‌کند و یا مردم عرب جاهلیت دربارهٔ خود فکر می‌کردند. در این میان در یک قرن اخیر افرادی مؤمن و مصلح و شجاع ظهور کرده‌اند و در راه بیداری مسلمانان و رفع علل بدبختی آنها که چیزی جز انحراف از تعلیمات عالیة اسلامی و سرگرم‌شدن به مادیات و بدعت‌هایی که خود ساخته و پرداخته‌اند نیست، کوشیده‌اند. خوشبختانه فعالیت این گروه معدود و افراد برجسته که خوش‌درخشیده و دولت مستعجل بوده‌اند، اندک اندک به ثمر رسیده و شاید فاصلهٔ زیادی تا بیداری کامل مسلمانان

و آزادی آنها نداشته باشیم؛ زیرا این بیداری کم و بیش در میان سلسله جلیله روحانیت پیدا شده و مخصوصاً طبقه جوان این سلسله از این موهبت عظمی برخوردار می‌باشند. در دو سه سال اخیر که طبقه نسبتاً جوان تری زعامت روحانی را در دست گرفته‌اند، واقع بینانه‌تر عمل کرده‌اند تا آنجا که زندانی شدن در راه هدف مقدس خود را (برخلاف سابق) افتخار می‌شمردند و در حال حاضر یکی از بزرگترین مراجع تقلید عصر این مدال افتخار، یعنی زندانی شدن در راه هدف مقدس مبارزه با استعمار، را به سینه خود نصب کرده است. توقیف یک عده پنجاه نفری در زندان موقت شهربانی که این جانب نیز افتخار مصاحبت آنها را دارم و در همین محل توفیق زیارت خطیب معظم آقای اهری دامت افاضاته [را] پیدا کرده‌ام، به همین علت است. از خداوند توفیق بیشتر این گروه و نصرت اسلام و مسلمین را مسئلت می‌نمایم.

زندان موقت شهربانی تهران - مرتضی مطهری
۱۴ صفر ۸۳ مطابق ۴۲/۴/۱۵»

شده‌اند؛ مثلاً آقای فلسفی با آن اوضاع خوبی که دارند، در زحمت افتاده‌اند یا آقای شیخ عباسعلی اسلامی و آقای مهری که در اصفهان تشریف دارند، ماشین سواری خودشان را فروخته‌اند. حالا نظر مبارکتان برای این آقایان و دیگران چیست؟» امام فرمودند: «اکنون که من پولی در اختیار ندارم.» و با لبخند ادامه دادند: «باید زندگی آقایان تأمین گردد.»

در هنگام خداحافظی،
حجت الاسلام والمسلمین حسن
صانعی که همیشه ملازم ایشان
بودند، به من گفتند آقا می‌خواهند
از شما بازدید کنند. قرار شد
فردای آن روز، در بیرون با ایشان
ملاقات کنم. عصر فردا، امام
تشریف‌فرما شدند و از این دیدار
عکسهایی گرفته شد که در آنها
آقایان حاج سیداحمد و سیدهادی
خسروشاهی، سیدیوک آقا سید
اهری، شیخ حسن صانعی و حقیر،
در محضر حضرت امام مشهود است...» (برای
آشنایی بیشتر با مبارزات ایشان، رجوع شود به
کتاب «خاطرات پانزده خرداد»، تبریز، ص ۳۵ تا ۶۰)
مرحوم اهری پس از مراجعت به تبریز،
همچنان به مبارزه ادامه داد و منبرهایش یکی
از پرمستمع‌ترین منابر تبریز بود. وی بدون ترس
به طور مستقیم به افشای رژیم می‌پرداخت
و در نتیجه در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۷ هم
بازداشت شد و مدتها در زندان به سربرد و بعد
از «منوع‌المنبر» شدن در سال ۱۳۴۸ به تهران
مهاجرت نمود.

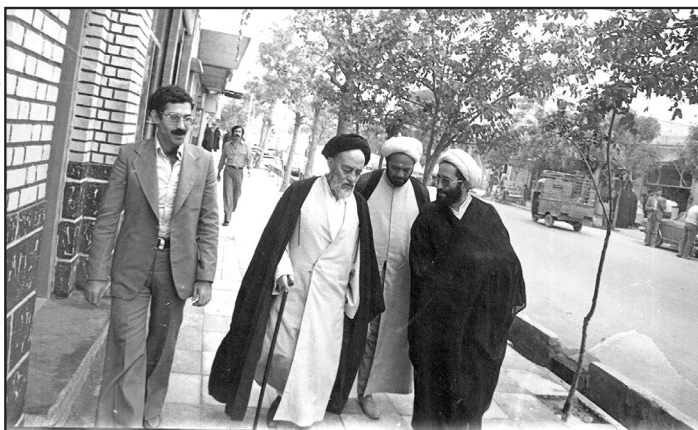
در دوران بازداشت و زندانی شدن «پنجاه و چهار نفره» علما و وعاظ بلاد، آقای اهری فرصت را غنیمت شمرده و از بزرگان هم‌بند درخواست نمود که سخنی، حدیثی، توصیه‌ای، نصیحتی، در دفتری که همراه داشت، با خط خود بنویسند که اکنون «جنگ تاریخی» ارزشمندی است. در اینجا فقط متن نوشته شهید بزرگوار، آیت الله مطهری را می‌آوریم:

«بسمه تعالی شأنه. وضع
خاص ملل مسلمان در میان ملل
جهان اسف آوار است. اکثریت افراد
آنها مع الأسف وضع و حال خود را
درک نمی کنند و دچار آن غفلت و غروری هستند
که قرآن کریم به عنوان وصف حال یهود ذکر



شیخ عیسی‌ا
مبارز

وقتی که در چنگال رژیم نباشم، باید مخالفت خود را نشان بدهم. یک روز بعد از آن که تهران را ترک کردم، همه علمای مهاجر را گرفتند و به شهرهای خود فرستادند. حضرات آیات (عبدالله) محمدهدی، (سید احمد) خسروشاهی، (سید



آقای اهری و حجت الاسلام مهدی یورد در کنار علامه طباطبائی

یوسف) هاشمی حکم آبادی، (سید مهدی) دروازه‌ای، (شیخ حسین) گوغانی، سید هادی خسروشاهی، (شیخ حسن) ناصرزاده و انزابی را با ماشین ساواک تا دروازه شهر تبریز آوردند و رها کردند.

ملاقات روحانیان تبریز با امام

در فاصله زندانی شدن اول و دوم و پس از آزادی و مراجعت حضرت امام به قم، بنده به همراه آقایان سیداحمد و سیدهادی خسروشاهی و سیدمهدی دروازه‌ای برای ملاقات و عرض خیرمقدم، به حضور امام رسیدیم. هنگام شرفیابی،



چپ: حجت الاسلام والمسلمین اهری، آیت الله غروی علیاری، استاد خسرو شاهی، حضرت آیت الله سبحانی، دکتر هاشم زاده هوبیس و... در مراسم افتتاحیه کتابخانه مرکز بررسی های اسلام

عرض کردم: «آقا، اطلاع دارید که عده‌ای از علما بر اثر این گرفتاری‌ها، با مشکلات زیادی مواجه

[illegible]

آثار قلمی و تحقیقی

... شیخ عیسی اهری علاوه بر این که خطیبی توانا و محقق پویا بود که اگر مجموعه خطبه‌ها و مواعظ ایشان ضبط و جمع‌آوری می‌شد، امروزه می‌توانست به‌مثابه یک گنجینه گرانبها در اختیار اهل علم و وعاظ جوان قرار گیرد، و علاوه بر صدها و بلکه هزارها جلسه وعظ و خطابه در طول هفتاد سال گذشته، چندین اثر قلمی، تألیف یا ترجمه، نیز از خود به جای گذاشته که نشان‌دهنده افق فکری، او، می‌باشد.

ادامه در صفحه بعد

یاد کردی از خطیب توانا، استاد حاج شیخ عیسی اهری

محمد الوانزار خوئی



سخن از استاد سخن و خطیب توانمند، زنده یاد حاج شیخ عیسی سلیم پور اهری که عمر گرانمایه خود را در راه ترویج و تبلیغ معارف الهی سپری کرده، بسی سخت و دشوار است. شخصیتی که بیش از شصت سال با قلم و بیان به مکتب اهل بیت علیهم السلام خدمت نمود و تا پایان عمر در این وادی راسخ و مصمم ماند و آنگاه به دیدار معبود شتافت.

به بهانه فرا رسیدن چهلمین روز ارتحال این عالم شجاع و مبارز، برخی از خصوصیات و مشاهدات خویش را که در طول دو دهه آشنایی و عرض ارادت به خدمت آن فقیه به دست آمده خدمت خوانندگان ارجمند تقدیم می نمایم.

خطیب توانا

بی شک ایشان در ردیف سخنوران و خطیبان بزرگ آذربایجان نظیر میرزا حسین واعظ، میرزا جواد ناطق، شیخ سلیم هریسی، میرزا حسن ناصرزاده، ... قرار دارد. شور و حرارت سخنرانی های معظم له در دوران مبارزه علیه نظام شاهنشاهی، ایراد خطابه های علمی و دینی و ذکر مصیبت ها و روضه های دلسوزانه در مصائب حضرات ائمه معصومین علیهم السلام، هرگز از یادها و خاطره ها فراموش نخواهد شد. شاید آخرین سخنرانی که در پای منبر ایشان بودم و از بیانات عالی و شیرین آن مرحوم استفاده کردم، مربوط به مراسم چهلمین روز درگذشت حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید بیوک آقا اهری - رحمه الله - بود که در مسجد رفعت از طرف علما و فضلاء آذربایجان مقیم قم منعقد گردید و ایشان با سخنرانی دلنشین خود به ذکر خدمات علمای بزرگ و مراجع عظیم الشان شیعه پرداختند و خدمات آنها را ستودند.

تجلیل از مفاخر علمی

از خصوصیات بسیار عالی و مهمی که در نهاد آن

ناراحت می شوید، دستی که شرح حال صدها نفر از بزرگان علمای شیعه را به نگارش درآورده و آنها را از دل تاریخ بیرون کشیده و به جامعه عرضه کرده، بوسیدنی است».

همچنین زمانی که به محضر مبارک ایشان اطلاع دادم که در نظر دارم برای مرجع تقلید شیعه، حضرت آیت الله آقای سید محمد حجت کوه کمری یادنامه ای تدوین کنم، آن جناب در تشویق این جانب مرقوم داشتند:

«بسم الله الرحمن الرحیم، نویسنده تلاشگر، حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمد الوانزار خوئی - دامت برکاته - با سلام و ابراز ارادت توفیق من و رخ مؤمنان فقد احیاء را برای شما تبریک عرض می کنم. اخیراً تصمیم مبارک برای زندگی نامه مرجع بزرگوار، محقق ثالث، آیت الله العظمی آقای حجت کوه کمری - اعلی الله فی الخلد اعلامه - گوارایتان باد که نه از بیت آن بزرگ و نه از شاگردان و مقلدین کاری در خور شان وی انجام نگرفته، مسبب الاسباب یاری کند تا والاتر از تحقیقات مفید دیگران پایان پذیرد».

شمع محفل

بی شک وجود معظم له در تهران مایه خیر و برکت برای آن شهر و بخصوص برای آذربایجانی های مقیم پایتخت بود. مجمع فضلاء آذربایجان سال ها از وجود گهربار این خدمتگذار به اسلام و مسلمین استفاده نمود، هرچند که تک تک حاضران در جلسه از شخصیت های علمی و تبلیغی بودند و خدمات مهمی در کشور انجام داده اند، اما بحق باید آن فقیه سعید را «شمع محفل» نامید، چرا که با درایت و بصیرت کامل در اداره آن می کوشید و یا به تعبیر بهتر «صلح کل» بود و با همه عزیزان با کرامت و بزرگواری رفتار می کرد.

کتابخانه ارزشمند

مرحوم حاج شیخ عیسی اهری کتابخوان بود و دوستدار کتاب و هر کتاب تازه ای که به دستش می رسید، مطالعه می کرد و در مواقع

مرحوم بوده و همیشه این خصیصه از وجود آن مرحوم ساطع می شد، تجلیل و بزرگداشت یاد و خاطره عالمان و فقیهان زحمتکش و تلاشگر عرصه های علمی و تبلیغی بود که در مجالس عمومی و خصوصی از آنها به نیکی و بزرگی یاد می کرد و یاد و نام آنها را گرامی می داشت. البته این ویژگی ایشان تنها شامل پیشینان نمی شد بلکه ایشان با

روحیه بزرگ منشی که داشتند حتی از مفاخر معاصر خود به عظمت یاد می کرد و حجاب معاصرت را مانع این کار نمی دانست.

زمانی که ایشان آگاهی یافت دوست دوران تحصیل ایشان مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید رضا آل محمد، مجموعه ۴ جلدی با عنوان «نامه ارسباران» را به رشته تحریر درآورده و از تاریخ و فرهنگ و رجال سیاسی، علمی و فرهنگی منطقه قره داغ به تفصیل سخن گفته و تحقیق جامعی انجام داده، بسیار خوشحال شد و از کار ارزشمند ایشان تجلیل نمود و حقیر را برای چاپ و نشر آن مجموعه فاخر تلاش نمود.

تشویق طلاب جوان

از دیگر روحیات خوب و ستودنی آن راحل سفر کرده، تشویق و ترغیب نیروهای جوان به کار و تحصیل علم بود. در جلسات متعددی که در خدمتشان بودیم از کارهای پژوهشی طلاب حاضر در جلسه سوال می کرد و آنها را به تلاش و کوشش و ارائه کارهای جدید تحقیقی و پژوهشی تشویق می نمود. روزی که آیت الله حاج میرزا علی نوری - رضوان الله علیه - به رحمت الهی واصل شد، ایشان در تشییع جنازه وی حاضر گردید و زمانی که یکی از طلاب جوان برای عرض ادب به خدمت ایشان رسید و به ایشان دست داد، آن مرد بزرگ با نهایت ادب و احترام بردستان آن طلبه بوسه زد و زمانی که طلبه دست و پای خودش را گم کرد و اظهار شرمندگی نمود، در جواب او فرمود: «چرا

المنجی» منتشر گردید.

اثر دیگر مرحوم اهری ترجمه کتاب «علی ولید الکعبه» تألیف علامه محمدعلی اردوبادی - از علمای معروف حوزه نجف اشرف. است که با

عنوان «علی مولود کعبه» چندین بار در قم چاپ شده است. این کتاب با توضیحات و اطلاعات جناب مهدی پور، ارزش ویژه ای یافته است و در این موضوع، اثر منحصر به فردی محسوب می شود.

اثر دیگر، ترجمه «مرقد العقیقه» درباره مدفن حضرت زینب (س) است که با مقدمه ای از دکتر محمد ثقفی به چاپ رسیده است.

کتابخانه

... با توجه به روحیه پژوهشگری که در وجود شیخ عیسی اهری رسوخ کرده بود.

ایشان به جمع آوری و تهیه کتاب های ارزشمند در زمینه های مختلف: فقه، تفسیر، حدیث، اصول، تاریخ، فلسفه و... می پرداخت و همواره در دیدارها، با استفاده از آن منابع، مباحث سودمندی را مطرح می ساخت. نتیجه این اقدام، تشکیل کتابخانه ای گرانسنگ در منزل خود بود که شاید کتاب های آن بر دوهزار جلد بالغ می شد. یکی دو سال پیش که با عده ای از علما و وعاظ محترم تهران، میهمان ایشان بودیم، من به

متعدد به نویسندگان آنها مطالبی را گوشزد می نمود. نخستین دیدار نگارنده با ایشان در اوائل دهه هشتاد شمسی در آن کتابخانه اتفاق افتاد، کتابخانه ای که در بیشتر موضوعات اسلامی شامل کتاب های متعدد بود و آن ها را در گذر زمان جمع کرده بود. کتابخانه معظم له در اواخر حیات مبارک ایشان به «کتابخانه عمومی مرکز بررسی های اسلامی قم» که توسط استاد علامه آقای سید هادی خسروشاهی - دامت برکاته - تأسیس شده، اهداء گردید و هم اکنون در آن کتابخانه مورد استفاده طلاب و محققین عزیز می باشد.

ارتحال

معظم له پس از تحمل حدود یک سال بیماری در صبح روز یکشنبه ۱۸ آذر ماه ۱۳۹۷ برابر با ۱ ربیع الثانی ۱۴۴۰ ق در تهران بدرود حیات گفت و پس از تشییع شایسته و اقامه نماز میت به امامت حضرت آیت الله حاج سید فتح هاشمی تبریزی در قطعه ۳۴ بهشت زهرا تهران و در جوار فرزند برومندش شادروان علی سلیم پور که چهل سال پیش در دل خاک آرمیده بود، به خاک سپرده شد. به منظور تجلیل از خدمات علمی و تبلیغی ایشان مجالس متعددی در تهران، قم و اهر منعقد گردید و از فعالیت های خالصانه ایشان تجلیل به عمل آمد. علی اصغر میعاد به مناسبت اربعین ایشان چنین سروده است:

این خفته زیر خاک سیه عاشق نگار

عیسی سلیم پور ز خوبان روزگار
مهر علی و آل علی بوده در دلش
گریان به شاه کرب و بلا معدن وقار

این سفر کرده ز دنیا اهل قلمی بود
در دلش عشق ابوالفضل و حسین و حرمی بود
سفراهش باز به اقوام و همه یارانش
صاحب جود و سخا و اهل کرمی بود
رحمت و رضوان الهی براو باد
جمعه ۱۳۹۷/۱۰/۲۸

رفتند و همه کتاب ها را جمع آوری نموده، به قم فرستادند.

قسمت عمده این کتاب ها در مخزن اصلی «کتابخانه عمومی مرکز بررسی های اسلامی قم»

در جای خاصی به نام ایشان قرار گرفت و اضافات یا مکررات به بخش «مخزن باز» کتابخانه انتقال یافت که به طور آزاد در اختیار محققان است... از شیخ عیسی اهری که همراه یکی دو نفر از علمای محترم تهران در مراسم افتتاح کتابخانه قم حضور یافته بود، خواستم که پس از انتقال کتابخانه شان به قم، بازدید از آن داشته باشد که پذیرفت و آن را موکول به بهبود نسبی خود نمود و ما در انتظار این بهبود بودیم که ناگهان بانگی برآمد که: خواجه برفت!

رفیق شفیق، برادر عزیز، خطیب توانا، مبارز و شجاع، محقق پویا، پس از تحمل بیماری، در اول ربیع الثانی ۱۴۴۰ ق ۹۷/۸/۱۸. در تهران درگذشت و طبق وصیت خود، در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. مجالس ترحیم و بزرگداشت در تهران و قم و تبریز با شرکت مراجع عظام، علما و بزرگان و مردم با ایمان برگزار شد و از خدمات ایشان تجلیل به عمل آمد.
رحمه الله و حشره مع اسیاده الائمه الطاهرین.



بخش ویژه کتب اهدایی آقای اهری در مخزن کتابخانه مرکز بررسی های اسلامی

قم اهدا کرده ام، هر وقت امکان داشت و یا مایل بودید، بفرستید آنها را ببرند».

من ضمن تشکر از این احسان و ایثار که در واقع نوعی باقیات الصالحات بود، گفتم: «اگر اجازه دهید، فردا چند نفر بیایند تا کتاب ها را بسته بندی کنند و به قم ببرند». ایشان کسالت داشت و در منزل به مداوا مشغول بود، گفتند: «از طرف ما آمادگی کامل هست»... دو روز بعد دو کامیون با چند تن از دوستان به منزل ایشان

ادامه از صفحه اول

اما این انتساب به امام از زاویه ای دیگر هم قابل بررسی است. اگر مطابق پیام برنامه ی یاد شده، منشاء تمام رفتارهایی که اتهام زنی علیه مخالفین خوانده می شود، امام خمینی بوده است؛ چرا هیچ کدام از شاگردان و یاران نزدیک امام در نجف و دوران پس از انقلاب چنین بیانی را هیچ گاه از ایشان نقل نکرده، در عمل به کار بسته اند و اساسا هیچ کسی برای توجیه رفتار خود اشاره ای بدان نکرده است؟!

اتفاقا خاطرات گوناگونی از شخصیت های یاد شده در مورد توصیه های امام در مورد سخن گفتن در خصوص اشخاص وجود دارد که در پی برخی از آنها مورد اشاره قرار می گیرد:

آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب در خطبه های نمازجمعه ۱۴ خرداد۱۳۸۹ در حرم امام می گویند: «ما یک شب در خدمت امام بودیم. من از ایشان پرسیدم نظر شما نسبت به فلان کس چیست - نمیخواهم اسم بیاورم؛ یکی از چهره های معروف دنیای اسلام در دوران نزدیک به ما، که همه نام او را شنیدند، همه می شناسند - امام یک تأملی کردند، گفتند: نمی شناسم. بعد هم یک جمله ی مذمت آمیزی راجع به آن شخص گفتند. این تمام شد. من فردای آن روز یا پس فردا - درست یادم نیست - صبح با امام کاری داشتم، رفتم خدمت ایشان. بجمردی که وارد اتاق شدم و نشستم، قبل از اینکه من کاری را که داشتم، مطرح کنم، ایشان گفتند که راجع به آن کسی که شما دیشب یا پریشب سؤال کردید، «همین، نمی شناسم». یعنی آن جمله ی مذمت آمیزی را که بعد از «نمی شناسم» گفته بودند، پاک کردند. ببینید، این خیلی مهم است. آن جمله ی مذمت آمیز نه فحش بود، نه دشنام بود، نه تهمت بود؛ خوشبختانه من هم بکلی از یادم رفته که آن جمله چه بود؛ یعنی یا تصرف معنوی ایشان بود، یا کم حافظگی من بود؛ نمیدانم چه بود، اما اینقدر یادم هست که یک جمله ی مذمت آمیزی بود. همین را ایشان آن شب گفتند، دو روز بعدش یا یک روز بعدش آن را پاک کردند؛ گفتند: نه، همان نمی شناسم».

ایشان سپس اضافه می کنند: «درباره ی زیدی که شما او را قبول ندارید، دو جور میشود حرف زد: یک جور آنچنانی که درست منطبق با حق است، یک جور هم آنچنانی که در آن آمیزه ای از ظلم وجود دارد. این دومی بد است، باید از آن پرهیز کرد. درست همانی که حق است، صدق است و شما در دادگاه عدل الهی میتوانید راجع به آن توضیح دهید، بگوئید، نه بیشتر. این یکی از خطوط اصلی حرکت امام و خط امام است که ماها باید به یاد داشته باشیم».

حجت الاسلام و المسلمین سید محمود دعایی از یاران بسیار نزدیک امام در دوران تبعید ایشان در نجف اشرف خاطره ای مهم را از توصیه امام هنگام راه اندازی «رادیو صدای روحانیت مبارز» در نجف بیان کرده و می گوید: «برنامه یکی دو ماهه اول را که مرتب و منظم کرده بودم خدمت ایشان بردم. ایشان مروری کردند و بعد مرا خواستند و فرمودند که من برنامه ها را دیدم، مجموعا خوب بود، اما دو تذکر دارم. یکی اینکه سعی کنید مبالغه نکنید و دروغ هم نگوئید. حقیقت را بگوئید و اضافه هم نگوئید. همان حقیقت تاثیر خودش را دارد. دوم اینکه در برنامه ها فحاشی نکنید. به عرض ایشان رساندم که بنای ما حتی الامکان همین است، منتهی من نمی دانم کدام مطلب خلاف بوده که نظر شما را جلب نموده است. ایشان اشاره کردند به یک مطلبی که من آن را از جزوه ای که مرحوم چمران در اتحادیه

انجمنهای اسلامی دانشجویان امریکا نوشته بود نقل کرده بودم. من از این جزوه که یک جزوه تحلیلی در مورد وقایع ۱۵ خرداد بود مطالب زیادی نقل کردم و آنها را در برنامه رادیویی به منظور دفاع از حرکت امام در جریان ۱۵ خرداد و افشای ادعاهای دروغین شاه مبنی بر اصلاحاتی که ادعا کرده بود، خواندم. در نهایت هم بیان کردم که شاه مدعی است امام از فتوایها حمایت کرده است و مدعی است که امام خود یک فتوادل است، در صورتی که امام یک وجب زمین ندارد. امام فرمودند: نه، این طور نیست که یک وجب زمین نداشته باشیم. ما در خمین یک قطعه زمین داریم که در اختیار اخوی است. ایشان کشاورزی می کند و درآمدش را بین فامیل و فقرا تقسیم می کنند. این که من زمین ندارم خلاف واقع است، شما واقعیت را بگوئید...».

اکنون این سوال مطرح می شود که اگر امام دروغ، تهمت و بهتان را جایز می دانسته اند به طریق اولی آن را در مقابل دشمن شماره یک خود که شاه و رژیم او باشد باید جایز دانسته و در تبلیغات از آن استفاده می کردند؛ ولی آیا چنین موردی را سراغ داریم؟ تحقیقا پاسخ منفی است.

مستند یاد شده سپس در یک نتیجه گیری خطی، برخی دیگر از سخنان امام در مورد حفظ نظام یا رفع حرمت از برخی افعال حرام هنگام در خطر قرار گرفتن جان یا در خطر قرار گرفتن اسلام(که در میانه اقدامات تروریستی منافقین ایراد شده) را در امتداد همان جمله پیش گفته ای امام عنوان کرده و مخاطب را به این نتیجه گیری می رساند که به بهانه عنوان کلی «حفظ نظام» هر کاری را می توان توجیه کرد.

به نظر می رسد منشاء این نگرش خطی یا به بیان دقیق تر «خلط مباحث» در سخنانی است که آقای محسن کدیور در این برنامه(و بیشتر در کتب منتشر شده در خارج کشور) بیان کرد.

وی در یکی از کتاب های خود به موضوع روابط امام و آیت الله سید محمد روحانی اشاره می کند؛ مرجع تقلیدی که در برنامه اخیر از او با عنوان «تنها روحانی مخالف امام در نجف» یاد شده و از این رو ادعا می شود، ایراد اتهام به ایشان توسط اطرافیان امام با عدم مخالفت امام مواجه نشده است. گویی امام با تضعیف رقیب خود خشنود می شوند!

کدیور در کتاب یاد شده به بخش هایی از تحریرالوسیله امام اشاره کرده و اینچنین نقل می کند: «آیت الله خمینی در یکی از مسائل امر به معروف و نهی از منکر تصریح کرده است: «اگر جلوگیری از منکر و اقامه واجب متوقف بر سخن درشت و تشدید در امر و تهدید بر مخالفت باشد همه اینها جائز می شود، بلکه واجب است، ولی احتراز از دروغ رعایت شود.» (روح الله الموسوی الخمینی، تحریرالوسیله، نجف، ۱۳۹۰ق، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، القول بمراتبه، المرتبة الثانية، مسئله ۴، ج ۱ ص ۲۷۸) پس اگر مقابله با تخریب های سیدمحمد [روحانی] به عنوان نهی از منکر واجب باشد متدیان انقلابی باید از نسبت های دروغ اجتناب کنند. این یعنی امر به معروف و نهی از منکر که مبنای نهضت و انقلاب است از جانب ایشان مقید به امر اخلاقی راستگویی شده است. اما مسئله بعدی یک تبصره دارد که فوائد عملی گسترده ای می تواند داشته باشد. «لایجوز إشفاع الانکار بما یحرم و ینکر کالسب و الکذب و الالهانة، نعم لو کان المنکر ممّا یهتّم به الشارع و لایرضی بحصوله مطلقا قتل النفس المحترمة و ارتکاب القبايح و الکبائر الموبقة جاز، بل وجب المنع و الدفع ولو مع استلزامه ما ذکر لو توقف المنع علیه، «ترجمه: جائز نیست برای نهی از منکر از عملی حرام و منکر نظیر ناسزا و دروغ و اهانت کمک بگیرد، بله اگر منکر عملی باشد که [عدم تحقق آن مطلقاً] مورد

«بهتان» در بهتان

اهتمام شارع بوده در هیچ شرائطی راضی به حصول آن نیست، نظیر کشتن نفس محترمه و کارهای قبیح و کبائری که مایه هلاکت دائم است [ارتکاب اعمال محرم منکر یاد شده] جائز است، بلکه منع و جلوگیری از منکر [مورد اهتمام شارع] واجب است حتی اگر مستلزم ارتکاب محرمات یاد شده باشد، است به شرطی که منع [منکر مورد اهتمام شارع] متوقف بر ارتکاب آن ها [ارتکاب محرمات مذکور] باشد.» (پیشین، مسئله ۵، ج ۱ ص ۴۷۸)

شرح: این مسئله دو قسمت دارد. صدر آن عدم جواز نهی از منکر از طریق ارتکاب حرام و منکر(از قبیل ناسزا، دروغ و اهانت) علی القاعده است. ذیل آن جواز ارتکاب این گونه محرمات برای پیشگیری از یک منکر بدتر است. در تعارض دو حرام می باید برای رهایی از وقوع حرام اشد حرام شدید را مرتکب شد زمانی که عدم تحقق حرام اشد متوقف بر ارتکاب حرام شدید باشد. مثال: قتل نفس محترمه حرام اشد است. اگر عدم قتل نفس محترمه متوقف بر ناسزا، دروغ و اهانت باشد که همگی حرامند اما حرمت آن ها کمتر از حرمت قتل نفس محترمه است، ناسزا گفتن، دروغ گفتن و اهانت کردن و مانند آن ها جایز است.

بر همین سیاق اگر نهضت و حفظ نظام اوجب واجبات باشد، ترک چنین واجبات اهمی چیزی شبیه قتل نفس محترمه خواهد بود. و در معارضه با حرمت ترک موازین اخلاقی از قبیل بهتان، افترا و کذب بر آن ها مقدم است. البته به شرطی که استمرار نهضت و حفظ نظام (که واجبات اشد و اهم محسوب می شوند) متوقف بر ارتکاب منکرات اخلاقی باشند (که ترک آن ها واجبات مهم و شدید به حساب می آیند). اینها فرضیات نیش غولی و تخیلات نویسند از سر سیری نیست، سوگوارانه صورت بندی عملکرد کارگزاران جمهوری اسلامی در چهار دهه اخیر است».

خلاصه آنکه، نویسنده این متن با گره زدن یک سخن عقلایی(دفع افسد به فاسد) به مسأله حفظ نظام درصدد است این پیام را منتقل کند که هر بهتان یا اتهام دروغی که در هر دستگاهی علیه یک مخالف نظام بیان می شود مبتنی بر همین نظر است؛ حال آنکه:

۱- مبحث مطرح شده در تحریرالوسیله، در یک کتاب فقهی و علمی بیان شده است و علی رغم عقلایی و قابل فهم بودن، هیچ گاه در بیانات عمومی نه توسط امام و نه توسط هیچ فقیه دیگر بیان نشده است(شاید برای جلوگیری از سوء استفاده و شاید به خاطر نادر بودن موارد استعمال این قاعده).

۲- در خصوص بحث حفظ نظام(که بحثی جداگانه است) باید گفت، حفظ کدام نظام؟ نظام دارای یک ذات و اصول مشخص است. کدام فقیه یا عالم دینی می تواند فتوا دهد که برای حفظ صرف قدرت هر حکم و قانونی زیر پا گذاشته شود؟! البته بحث در این خصوص در توان این قلم نیست و کارشناسان بحث باید در این مورد کامل تر بگویند.

۳- تحقیق شنیده نشده که هیچ مرجع، نهاد یا شخصیتی در خلوت یا جلوت، «با استناد به این سخنان امام» درصدد تسهیل یا توجیه حرکتی بوده باشد.

۴- امام جمله ای که «حفظ نظام اوجب واجبات است» را بیان نکرده اند و این تحریفی شیطننت آمیز است که بارها توسط گویندگان مختلف بدان پرداخته شده است.

حال آنکه نزدیک ترین جمله به این معنا این است: «مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می شود و با این نشانه گیری هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی کند؛ و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است». (صحیفه امام، جلد ۱۹، ص ۱۵۳) یا «تکلیف مال یک نفر دو نفر نیست، آحاد مردم

یکی یکیشان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی، اهم مسائل واجبات دنیا، اهم است، از نماز اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه این حفظ اسلام است، نماز فرع اسلام است. این تکلیف برای همه ماست، هیچ فرقی مابین ترک و فارس و. عرض می کنم که. کجا و کجایی ندارد، سیستمی و بلوچستانی و اینها. و این تکلیف برای همه دنیاست. حفظ دین حق، یک حکمی است برای همه دنیا، در رأس واجبات برای همه دنیا واقع شده، منتها غیر مسلمین چون اعتقاد به اسلام ندارند می گویند خوب، اسلام واجب کرده، به ما چه، اما مسلمین که اعتقاد دارند. آن مسلمی که در افریقا است، حفظ جمهوری اسلامی برایش واجب است؛ برای اینکه از اینجا ممکن است که. یعنی، ان شاء الله، خواهد شد. انعکاش در همه جا خواهد شد و شده است الآن.» صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۸۶) برای مطالعه بیشتر اینجا را بخوانید.

اجمالا به نظر می رسد که ابتدا پیش فرضی در نظر گرفته شده و سپس برای اثبات آن، سیاهه ای پراکنده از مثالهای ریز و درشت پردآوری شده است. ناگفته نماند که برخی مثال های مورد بحث در این برنامه که به عنوان مصادیقی از بهتان عنوان شده، اساسا در مقوله بهتان و حدیث مورد بحث نمی گنجد و بیشتر از جنس «اتهام» است نه بهتان! در واقع در یک ناشی گری علمی، ابتدا سخن امام در مورد یک گروه خاص به حدیث مشهور و مورد بحث «مباهته» ربط داده می شود، سپس مخالفت مراجع و علما با بهتان زنی را یادآور می شود تا توجهات معطوف به شخص امام شود، در گام بعدی به سخنان امام در مورد حفظ نظام اشاره می شود و در نهایت هر مثالی که به دست سازنده برنامه می رسد به عنوان مصداق و نتیجه ی عملی آن سخن امام مطرح می شود؛ حال آنکه هم صغری و هم کبری قضیه غلط است. چرا که اولاً، نمی توان از سیره نظری و عملی امام موافقت ایشان با بهتان زنی یا دروغ بستن به مخالف را برداشت کرد و

ثانیا، اغلب مصادیقی که ذکر می شود فارغ از صحت یا عدم صحت، جزو مقوله بهتان نیست و نمی توان آن را در امتداد سخن امام(با فرض محال صحت این انتساب به امام) قلمداد کرد. لذا بهتر بود که اگر بر ساخت این برنامه اصراری وجود دارد لااقل عنوانی عام تر انتخاب می شد تا هرچه دل تنگشان می خواهد بگویند! البته می توان اینگونه هم تحلیل کرد که مقصود ضمنی سازنده برنامه، القاء این معنا باشد که می توان به آسانی از درون دین و فقه توجیهات لازم را برای هر عمل قبیحی یافت.

به نظر می رسد که برنامه اخیر بی بی سی فارسی قطعه ای دیگر از پازل تخریب سیستماتیک وجهه جمهوری اسلامی و خصوصا شخص امام خمینی است اما به دلیل سست بودن پیش فرض ها و عدم پیوند محکم میان این پیش فرض معیوب با نمونه های مطرح شده، بیش از آنکه اثری تحقیقی محسوب شود، اعلامیه ای شعارگونه علیه کلیت جمهوری اسلامی و شخص امام خمینی شده است؛ همان اقدامی که سالهاست نظیر آن در شبکه ها و رسانه های مختلف انجام شده است.

تحلیل اینچنین برنامه ها پس از دی ماه ۱۳۹۶ چندان دشوار نیست و می توان دریافت که آنها چرا این روزها برای تخریب جمهوری اسلامی از سویی و ترویج مخالفان و براندازان آن، مجبورند از یکسو برای زیر سوال بردن امام خمینی به یک مبحث تخصصی فقهی روی بیاورند اما از آنسو هر روز به پررنگ سازی فعالیت های فرزند شاه مخلوع و پخش رپرتاژ آگهی های مکرر و پرو پیمان برای گروه های تازه تأسیس برانداز بپردازند؛ بدون آنکه از آنها در مورد افکار و سابقه ای که به آن می بالند سوالی را مطرح سازند!

عدم محبت به حضرت فاطمه شهادتین را دچار مشکل می‌کند

سید بها الدین حسینی، استاد مدارس علوم قرآنی در دانشگاه‌های سنجند درباره جایگاه والای حضرت زهرا(س) گفت: حضرت زهرا (س) در بین تمامی مردم جهان جایگاهی پر از محبت، خیر و رفیع دارند، در بین اهل سنت محبت داشتن به این شخصیت بزرگ از واجبات است.

وی ادامه داد: هر فردی در هر مسلکی که باشد اگر حتی کوچکترین محبتی به خاندان پیامبر سلام مخصوصاً حضرت زهرا (س) نداشته باشد علی القاعده شهادتینش دچار مشکل می‌شود و این به معنای اشکال در اصل ایمان است.

حسینی ادامه داد: تا زمانی که حضرت زهرا(س) در منزل پیامبر اسلام حضور داشتند در خانواده خاتم النبیین بوده‌اند و این خود کم‌فضیلتی نیست؛ حضرت فاطمه (س) تنها اولاد پیامبر بزرگ اسلام بودند. یعنی تمام عمر خودشان را در حضور پیامبر مانند یک یار و دوست، مستقیم به اصل سرچشمه وحی متصل بودند و همه اینها فضیلتی بسیار بزرگ است و بسیاری از فرمایشات پیامبر اسلام در حوزه تربیت فرزندان و خانواده برای اهل سنت یک منبع است.

وی با اشاره به اینکه سادات که از نسل حضرت زهرا هستند، درباره شان نزول سوره کوثر گفت: شخصی یهودی به پیامبر طعنه ابر بودن را می‌زدند و می‌گفتند که پیامبر در زمان حیات خود بی پسر هستند. در آن زمان در بین اعراب این گونه خرافات وجود داشت که شخصی که فرزند پسر نداشتند دچار بی آبرویی بود. خداوند تعال برای پایان دادن با این خرافات و همچنین برای اینکه بحث بر سر نداشتن اولاد ذکور پیامبر بود سوره کوثر را برای پایان بخشیدن به این بحث‌ها نازل کرد.

بهاالدین حسینی افزود: در کردستان شاخه بسیار بزرگی از سادات حسینی و حسنی وجود دارند که همه دارای شجره نامه‌های اصیل، مستند و قدیمی هستند که مصداق سوره کوثر در کثرت است و ما باید از برکت و رحمت حضرت زهرا(س) برای رسیدن به اهداف پیامبر اسلام که وحدت یکدلی و یکرنگی است بین مسلمانان و استفاده کنیم.

اهل بیت پیامبر خط قرمز اهل سنت هستند

عثمان سالاری استاد دانشگاه مذاهب اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری تقریب، درباره جایگاه حضرت فاطمه زهرا(س) گفت: دوستی اهل بیت قضیه‌ای است که نیازی به اثبات ندارد و همه فرق اسلامی آن را قبول دارند و به آن مباهات می‌کنند.

مشاور دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با اشاره به این مطلب که از دیدگاه اهل سنت، محبت و احترام به اهل بیت پیامبر گرامی اسلام واجب است، ادامه داد: حضرت زهرا(س) بزرگترین و برجسته‌ترین بانوی معنوی جهان اسلام در تمامی قرن‌ها است و اهل بیت پیامبر اسلام، خط قرمز اهل سنت هستند.

وی با اشاره به مطلب که حضرت فاطمه زهرا(س) افضل زنان جهان است و این سخنی است که پیامبر اکرم (ص) آن را به تعبیرات مختلف بیان فرموده است، تاکید کرد: اهل سنت ارادت و محبت خاصی به اهل بیت علیه السلام خصوصاً حضرت زهرا(س) دارند، چون ایشان یک شخصیت وارسته قرآنی است. وی خاطر نشان کرد: حضرت زهرا سلام الله علیها فرزند برومند پیامبر گرامی اسلام هستند و در واقع برجسته‌ترین نقطه درخشان جهان اسلام محسوب می‌شوند و این علاقه و محبت عینی و عملی به ایشان، امری مسجل و در عین حال قطعی و حتمی است.

آیت‌الله تسخیری: مرحوم واعظ زاده پدر جریان تقریب‌گرای کشور هستند



واعظ‌زاده متفکری جامع الاطراف و عالمی دایرةالمعارفی بود، گفت: هر تحقیق ایشان حاوی ابتکارات جدیدی بود. نکته مهم درباره آیت‌الله واعظ‌زاده این بود که گاهی به خلاف نظرات رایج اسلامی مطالبی می‌فرمود و از آن دفاع می‌کرد. یک وقت مقاله‌ای به خلاف نظر دو مرجع از مراجع عالی‌قدر قم نوشت

که با انتقاداتی از سوی علما مواجه شد، اما ایشان در نهایت ادب و به صورت حضوری پاسخ دادند.

رئیس پیشین مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی یکی از ویژگی‌های بارز شخصیت فرهنگی آیت‌الله واعظ‌زاده را در نگاه تقریبی ایشان معرفی کرد و تصریح داشت: معتقدم مرحوم واعظ‌زاده حداقل در ایران پدر جریان تقریب هستند که در این باره با چالش‌ها و سؤالات زیادی همراه بود. امروز همه تقریبی‌ها مدیون فعالیت‌های مرحوم واعظ‌زاده هستند. ایشان نگاهی تقریبی به حکومت اسلامی داشت تا جایی که صاحب منهج تقریبی در تفسیر به‌شمار می‌آید. همچنین سخنرانی‌های ایشان درباره تقریب در نماز جمعه تهران مشهور است.

آیت‌الله تسخیری با تأکید بر اینکه «معتقدم یکی از هنرهای آیت‌الله واعظ‌زاده این است که در یک فضای مبهم مسأله تقریب را جا انداخت»،

نگاه مسلمانان جهان به ایران است

رایفا می‌کرد اما ما داریم می‌بینیم که عربستان مثل یک دشمن به دنبال نابودی مسلمانان است. عربستانی که باید از مسلمانان حمایت می‌کرد، اکنون با اشاره آمریکا و اسرائیل با مسلمانان درگیر شده است و در یمن هر روز در حال کشتار مردم بی گناه است و این جنایت بزرگ عربستان را هیچ مسلمانی تایید نمی‌کند چون این جنگ تحمیلی ظلم بزرگی در حق مردم یمن است و سازمان‌های حقوق بشر و خصوصاً مسلمانان باید برای حل این مسئله بزرگ ایفای نقش کنند و هرچه سریع‌تر این جنگ را به پایان رسانده و به کمک مردم مظلوم و ستم دیده یمنی بشتابند.

به نظر شما وظایف مسلمانان برای آزادی فلسطین چیست؟

فلسطین سرزمین انبیاء است و امنیت و آرامش فلسطین با امنیت جهان گره خورده است، اگر در فلسطین امنیت باشد و مردم فلسطین با آرامش زندگی کنند همه مردم مسلمان جهان در آرامش هستند، اما استعمار هر روز در سرزمین انبیا مردم مسلمان را می‌کشد و در این جنایات کشورهای اسلامی مانند عربستان هم دست استعمار شده است. اگر عربستان در مورد فلسطین در سیاست خود تجدید نظر کند و با کشورهای اسلامی که حامی مردم فلسطین هستند یکصدا شود، در آزادی فلسطین و حل این مسئله اساسی مسلمانان کمک بزرگی خواهد شد.

عربستانی که متولی دو حرم بزرگ مسلمانان است، در مسائل حساس فلسطین حامی اسرائیل و علیه فلسطینیان بوده است و عربستان باید در

با اهدای جوایز ارزنده‌ای برگزار می‌شود

فراخوان خبرگزاری تقریب برای مسابقه کتابخوانی با موضوع «تقریب»

اینترنتی <http://mailto:info@taghribnews.ir> ارسال کنند.

همچنین جوایز ویژه و نفیس به قید قرعه به برگزیدگان این مسابقه اهدا خواهد شد.

برای دریافت فایل Pdf کتاب «شیعه و سنی غوغای ساختگی» به لینک زیر مراجعه کنید:

<http://www.taghribnews.ir/images/docs/files/000394/mf00394445-1.pdf>

آن را می‌توانید از داخل همین خبر مطالعه کنید، به شرح ذیل است:

۱- «از منظر دکتر شهید فتحی شقاقی، علمای الازهر چه نقشی در تقریب شیعه و سنی ایفا کردند؟»
۲- «کتاب سراب در ایران اثر کیست؟ رویکرد آن به مواضع جمهوری اسلامی چیست؟ (۴ مورد)»
علاقمندان می‌توانند پاسخ صحیح خود را درباره سوال مذکور تا تاریخ ۱۲ بهمن به آدرس

به گزارش خبرگزاری تقریب، مراسم بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی با حضور و سخنرانی آیت‌الله تسخیری، مشاور عالی رهبر ایران در امور جهان اسلام حجج اسلام محمدعلی مهدوی‌راد و غلامرضا رئیس‌یان، رئیس دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد و برخی دیگر از اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی و به‌همت پژوهشکده مطالعات قرآنی و همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی در مکان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست آیت‌الله تسخیری با اشاره به برخی ویژگی‌های علمی آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی گفت: مرحوم واعظ‌زاده شخص متفکری است که تقریباً در تمام علوم اسلامی تحقیقاتی انجام داده و ابتکاراتی را آفریده است. این ابتکارات، او را در مقابل چالش‌های زیادی قرار می‌داد، اما با این حال از نظرات خود دفاع می‌کرد.

وی افزود: ایشان در مسئله حقوق، فقه، اصول و تاریخ فقه‌ا ابداع و ابتکار داشت و مقالاتی درباره این موضوعات منتشر کرد که برخی از آن‌ها شامل: الإجتهااد عند الشیعة الإمامیة، المذاهب الفقهیة فی الإسلام، الفقه عند أهل السنة، الفقه عند أهل الشیعة الإمامیة، الفقه عند الشیعة غیر الإمامیة است.

آیت‌الله تسخیری با بیان اینکه آیت‌الله

خبرگزاری تقریب، دکتر امجد حسین چشتی دبیر جمعیت علمای نیازی پاکستان، به بیان نکاتی درباره وحدت میان مسلمانان پاکستان، اوضاع یمن و فلسطین پرداخت.

حزب جمعیت علمای نیازی یک حزب سیاسی مذهبی اهل سنت پاکستان است که در صحنه‌های سیاسی و مذهبی با شیعیان متحد هستند و در مورد تکفیر موضع گیری سختی را دارد و به دنبال وحدت میان مسلمانان پاکستان و جهان است.

متن گفت‌وگو بدین شرح است:

ضمن تقدیر از فرصتی که به ما اختصاص دادید، بفرمایید که اتحاد شیعه و سنی در پاکستان در چه سطحی است؟

در پاکستان هیچ تفرقه‌ای میان شیعه و سنی وجود ندارد کافی است، اما مثل هر کشوری در پاکستان هم تکفیری وجود دارد که نمی‌خواهند شیعه و سنی باهم متحد باشند و برای رسیدن به اهداف خود تمام سعی خودشان را می‌کنند ولی در پاکستان اینها برای رسیدن به اهداف شومشان موفق نشدند.

جنگ عربستان و یمن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

یمن کشوری است که پیامبر اسلام (ص) برای مردم این سرزمین دعا کردند و در مورد این سرزمین روایات مختلفی داریم و به همین علت یمن برای ما یک سرزمین مقدس است.

جنگ یمن از طرف عربستان و متحدانش به مردم مظلوم این کشور تحمیل شده است و من نمی‌دانم عربستان و متحدانش دنبال چه چیزی هستند. عربستان در مسئله یمن باید نقش میانجی

خبرگزاری تقریب در نظر دارد در راستای موضوعات «تقریبی جهان اسلام» مسابقه کتابخوانی با رویکرد تقریب مذاهب اسلامی برگزار کند.

در اولین شماره از این مسابقه به خوانش کتاب «شیعه و سنی غوغای ساختگی» می‌پردازیم.

سوال مطرح شده از کتاب «شیعه و سنی غوغای ساختگی» نوشته دکتر فتحی شقاقی و مقدمه و توضیحات استاد خسروشاهی که فایل پی‌دی‌اف

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سرمدبیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (صفائییه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorouh

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

نطق مسعود پزشکیان

مسلمانی و این همه تهمت زنی!

مسعود پزشکیان در نطق میان دستور خود، گفت: معمولاً آیات قرآن را یا در مجلس ترجمه می‌خوانیم یا در آغاز جلسات، اما آیات قرآن برای عمل و پایبندی انسان‌هاست. حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «وقتی مشکلات شما به استخوان رسید و به گرفتاری و شک افتادید به خدا و رسول ارجاع دهید.» ارجاع به خدا یعنی ارجاع به قرآن و ارجاع به رسول یعنی ارجاع به سنت حضرت رسول. نایب رئیس مجلس افزود: ما مسلمانان با هم برادریم اما چقدر در جهت اخوت و برادری صحبت می‌کنیم و چقدر بر طبل فتنه می‌زیم؟ چقدر همدیگر را متهم یا مسخره می‌کنیم و به یکدیگر انگ می‌چسبانیم؟ این صحبت‌ها زشت است و اگر فرد مرتکب توبه نکند و به کارش ادامه دهد، ظالم است. از بدگمانی دست برداریم، برخی از این گمان‌ها، گناه است. از تجسس و غیبت کردن و از ریختن آبروی مسلمان دست برداریم. وی ادامه داد: طبق فرمایش قرآن هیچ قومی بر هیچ قوم دیگر و هیچ زبانی بر هیچ زبان دیگر برتری ندارد بلکه تنها کسانی در پیشگاه الهی ارزش دارند که اهل تقوا باشند. کرد، ترک، عرب، عجم، لر، چپ و راست برتر از دیگری نیستند. بینی و بین‌الله آیا ما در کشور به آیات قرآن عمل می‌کنیم؟ آبروی نماینده، مدیر و مسئول در صدا و سیمای جمهوری اسلامی و از پشت تریبون‌ها به اسم اسلام ریخته می‌شود و اسم مسلمان هم بر خود می‌گذاریم. به اسم شفافیت و تبیین شفافیت آبرو می‌ریزیم در حالی که آبروی یک انسان از حرمت کعبه بالاتر است. از پشت تریبون‌ها از کسانی که برادران مان هستند، بدگویی می‌کنیم. چه کسی گفته من یا شما بهتر از دیگرانیم؟ مسلمانان با هم برادرند، اگر در حق هم برادری نکنیم، خدا عذاب نازل می‌کند. بروید توبه کنید شاید خدا به همه رحم کند. پزشکیان گفت: در اوضاع و احوالی که امریکا با تمام قدرتش در مقابل ما ایستاده، ما همدیگر را تخریب می‌کنیم، برای همدیگر پرونده‌سازی می‌کنیم، از بالا تا پایین آبروریزی می‌کنیم، صدا و سیما یک روحانی را دعوت می‌کند و می‌گوید «از مجلس شرم می‌کنم» و همه نمایندگان را زیر سؤال می‌برد. آیا دین، مذهب و قرآن چنین اجازه و دستوری به این آقایان می‌دهد؟ از پشت تریبون آبروی انسان‌هایی را می‌بریم که با تمام وجودشان برای این انقلاب کار کردند اگرچه عیب و نقص هم دارند. وی ادامه داد: اگر قرار بود خدا آدم‌ها را به خاطر جرم‌ها و خطاهایشان محاکمه کند یک نفر هم سالم نمی‌ماند، خدا خودش فرصت داده. همه عیب و اشکال داریم و حق نداریم این طور آبروریزی کنیم. «گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آنکه هست، گیرند.» اگر قرار باشد کسی را بگیرند در همان صدا و سیما و جاهایی که می‌گویند «تبیین و شفاف» می‌کنیم، هستند افرادی که گیر می‌افتند.

انتصاب جوان‌ترین امام جمعه تهران



محمدجواد حاج علی‌اکبری در سال ۷۳ یعنی در سن ۳۰ سالگی به امامت جمعه شهرستان دماوند منصوب شد و به فاصله کوتاهی امام جمعه نمونه شناخته شد و مورد قدردانی قرار گرفت. او سپس در سال ۷۹ از سوی رهبری انقلاب، به عنوان جوان‌ترین عضو شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه کشور منصوب شد و به مدت ۱۷ سال تجربه حضور در این جایگاه را داشته است. علی‌اکبری که سابقه معاونت رئیس‌جمهوری در امور جوانان و رئیس سازمان ملی جوانان در دوران محمود احمدی‌نژاد را در کارنامه دارد، در دی ماه پارسال با حکم رهبری انقلاب به ریاست شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه منصوب و جانشین سیدرضا تقوی شد.

ستاد نماز جمعه تهران اعلام کرد: حجت الاسلام «محمدجواد حاج علی‌اکبری» از طرف رهبر معظم انقلاب به عنوان امام جمعه موقت تهران منصوب شد. حجت الاسلام حاج علی‌اکبری، متولد ۱۳۴۳ در شهرستان دماوند است که پس از طی تحصیلات مقدماتی، با رتبه عالی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق اسلامی از مدرسه عالی شهید مطهری فارغ التحصیل شد. او ضمن آشنایی با زبان‌های عربی و انگلیسی، از تجربه سال‌های طولانی تدریس در حوزه و دانشگاه بهره‌مند بوده و با سفرهای تبلیغی متعدد در کشورهای خارجی، مجال آشنایی با فرهنگ سایر ملل را هم داشته است. حجت الاسلام والمسلمین

تاریخ علوم در تمدن اسلامی

سید محمد ثقفی

درباره یک موضوع: طبیعی و اجتماعی و... بنیانگذاران این رشته‌های میان رشته‌ای گرچه در هر تمدنی ممکن است حضور داشته باشند اما مانند الفهرست ابن‌الدیم، التعریف به طبقات العلوم - مفاتیح العلوم و نفانس الفنون، اما این دانشمندان مغرب زمین بودند که (به نظر نویسنده) کتاب‌هایی زیر همین عنوان به رشته تحریر درآوردند. تاریخ علوم جرج سارتن تاریخ علوم پیر روسو. در میان دانشمندان اسلامی نیز شاید نخستین مولف آقای دکتر سید حسین نصر بود که کتاب ارزنده علم و تمدن در اسلام را نوشت و بعدها دکتر مهدی محقق این راه را ادامه دارد. کتاب حاضر تاریخ علوم در تمدن اسلامی نوشته دکتر عمرو فروخ کتاب بسیار خوبی است که رشته را

تاریخ علم موضوعی میان رشته‌ای

توسعه تمدن در حیات عقلانی بشر سبب گردید که آکادمی‌ها تبدیل به یونیورسیتی (دانشگاه) شوند و موضوعات علوم که هر کدام سلسله معارفی را به طور منظم بحث می‌کردند توسعه یابند. در این میان گه‌گاهی دیده می‌شد که موضوعی و مسایل آن در دو رشته مطرح می‌شوند. و یا برخی از مسایل در قلمرو چندین علم قرار می‌گیرند. از این جهت بود که موضوعات میان رشته‌ای در جدول علوم پدید آمدند. مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی محیطی، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی دین، جامعه‌شناسی دین، از این رهگذر بود رشته تاریخ علم مطرح گردید. تاریخ در مورد روند اجتماعی موضوع و علم (science) معارف منظم

«یک قصه از حیات» منتشر شد

فصل چهارم، مسئولیت‌های اجرایی - سیاسی، فصل پنجم، دیدگاه‌های علمی، اخلاقی و سیاسی، فصل ششم، نگاه بزرگان و محققان، فصل هفتم، اجازه نامه‌ها و تقدیرنامه‌ها. بخش پایانی کتاب به پیوست‌ها، شامل عکس‌ها، فهرست آیات، احادیث، اعلام و اماکن اختصاص یافته است. در بخشی از مقدمه کتاب آمده است: کتاب حاضر علاوه بر معرفی تفصیلی همه آثار قلمی حضرت استاد، مشتمل بر حاصل یک عمر تجربه در مناصب و سمت‌های مختلف، تکاپو و تلاش، مکاتبه و مراوده با برخی از شخصیت‌های بزرگ شیعه است که درس آموزی‌های فراوانی دارد. در این کتاب، با آثار و افکار آیت‌الله استادی آشنا خواهید شد و سعی شده در آن معرفی کاملی از آثار

کتاب «یک قصه از حیات» شرح احوال، آثار و فعالیت‌های علمی آیت‌الله حاج شیخ رضا استادی از اساتید برجسته حوزه علمیه قم است که به کوشش حجت الاسلام عبدالرحیم اباذری تهیه، تنظیم و تدوین شده و توسط موسسه کتابشناسی شیعه به مدیریت حجت الاسلام رضا مختاری در آذرماه ۹۷ به چاپ رسیده است. این کتاب دارای یک مقدمه از مدیر موسسه کتابشناسی شیعه و هفت فصل به ترتیب زیر است: فصل اول: زندگی‌نامه، فصل دوم، فعالیت‌های علمی، فرهنگی و تبلیغی، فصل سوم، آثار علمی،



«کوثر»؛ سوره‌ای در شأن دختر والا گهر پیامبر ﷺ

قرآن، جلوه‌های سوره کوثر، فاطمه و شخصیت زن و عظمت آیه مباهله اختصاص داده است. در فصل سوم فضائل حضرت زهرا (س) از زبان عایشه مطرح شده و فصل چهارم دربردارنده اسرار فاطمه (س) است. در صفحه ۱۳ کتاب به نقل از ترجمه تفسیر «المیزان» می‌خوانیم: «اقوالی که درباره تفسیر کوثر از مفسران نقل شده، بالغ بر بیست و شش قول است. به هر حال اینکه در این سوره فرمود «ان شائنک هو الایتر»، با در نظر گرفتن کلمه «ایتر» که در ظاهر به معنای اجاق کور است، چنین به دست می‌آید که منظور از «کوثر» تنها و تنها کثرت ذریه‌ای است که خدای تعالی به آنجناب ارزانی داشته (و برکتی است که در نسل آن جناب قرار داده) و یا مراد، هم خیر کثیر است و هم ذریه. چیزی که

کتاب «جلوه معنوی فاطمه» اثر طاهره سادات زرگر مرادی از سوی انتشارات شهید علم، منتشر شده است. نویسنده در نخستین فصل کتاب به موضوعاتی همچون «سوره کوثر: سوره‌ای در شأن فاطمه زهرا (س)»، «الکوثر: اشاره به فضائل نبی خاتم»، «اسرار و نکاتی درباره سوره کوثر»، «اصول دیانت و عبودیت»، «شأن نزول سوره کوثر»، «اعجاز سوره کوثر» و «نمونه‌ای از پیشگویی‌های قرآن» می‌پردازد و فصل دوم را به ذکر برخی از تجلیات و فضائل حضرت زهرا (س) از جمله مرواریدی در آغوش صدف، همزه وصل بین رسالت و ولایت، جلوه حضرت زهرا در مساله ولایت، حضرت زهرا اولین مدافع ولایت، الگو بودن حضرت فاطمه، حضرت زهرا در آینه قرآن، جمال معنوی فاطمه در

هست، کثرت ذریه یکی از مصادیق خیر کثیر است و اگر مراد مسئله ذریه به استقلال و یا ضمنی نبود، آوردن کلمه «ان» در جمله «ان شائنک هو الایتر» فایده‌ای نداشت؛ زیرا کلمه «ان» علاوه بر تحقیق، تعلیل را هم می‌رساند و معنا ندارد که بفرماید ما به تو حوض دادیم، چون که بدگوی تو ایتر و اجاق کور است و یا بی‌خیر است. از آن جا که جمله «انا اعطیناک» به معنی منت نهادن بود با سیاق متکلم مع‌الغیر «ما» آمد که بر عظمت دلالت می‌کند و چون منظور از آن خوشدل ساختن رسول خدا بود، با واژه عطا که ظاهر در تملیک است بیان داشت و فرمود: ما به تو کوثر عطا کردیم. و این جمله «انا اعطیناک» از این دلالت خالی نیست که فرزندان فاطمه ذریه رسول خدا هستند و این خود یکی از خبرهای غیبی قرآن کریم است.»